

«تفاوت‌های جنسیتی در اوقات فراغت»

خدیجه سفیری

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا

فاطمه مدیری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد علوم و تحقیقات تهران

(تاریخ دریافت 1389/8/23 تاریخ پذیرش 1389/10/2)

چکیده: اوقات فراغت عرصه‌ای است که افراد بدون دغدغه و تنش می‌توانند ارزش‌ها و علایق خود را نمایان ساخته، قدرت و مقاومت خویش را به نمایش بگذارند و به عنوان نماینده‌ای از طبقه اجتماعی خود اجرای نقش کنند. لیکن در این زمینه برخی معتقدند جنسیت به مثابه عاملی فرابطقاتی عمل می‌کند و موجبات تفاوت و ایجاد نابرابری میان زنان و مردان را فراهم می‌آورد و بدین سان موجب می‌گردد، اوقات فراغت زنان، مبهم، اندک و منقطع باشد، بیش‌تر در خانه سپری شود و آمیخته با فعالیت‌های خانگی و مادری باشد. مقاله حاضر بر جنسیت به عنوان یکی از تقسیمات اجتماعی که به نابرابری منتهی می‌شود متمرکز بوده و بر این اساس به بررسی جنسیت به عنوان عاملی در تبیین تفاوت‌های اوقات فراغت پرداخته است. تحقیق به روش اسنادی و با استفاده از 43 مقاله علمی پژوهشی و پایان‌نامه، به شیوه فراتحلیل، این موضوع را مورد بررسی قرار داده، در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای spss و Comprehensive Meta analysis بهره برده و با استناد به یافته‌های توصیفی و همچنین ترکیب کمی نتایج پژوهش‌های مورد مطالعه در فراتحلیل، به نتایج ذیل دست یافته است: 1. میزان اوقات فراغت و نحوه گذران آن متأثر از جنسیت است و این موضوع در نحوه گذران اوقات فراغت به شدت محسوس است. 2. میزان اوقات فراغت در مردان بیش از زنان است. 3. اولویت‌های فراغتی در مردان و زنان متفاوت است؛ به گونه‌ای که در گذران اوقات فراغت زنان، فراغت‌های معطوف به خانواده بیش‌تر مشاهده می‌شود و بالاترین اولویت برای ایشان، بودن در خانه است و در مردان، فراغت‌های حرکتی به ویژه ورزش از اولویت بالاتری برخوردارند و همچنین فراغت‌های هدفمند نیز در ایشان بیش‌تر است. 4. رضایت زنان در زمینه اوقات فراغت از مردان کم‌تر است.

واژگان کلیدی: فراتحلیل، اوقات فراغت، جنسیت، نابرابری

مقدمه و بیان مسأله

اوقات فراغت به عنوان نمایی از سبک زندگی، مقوله‌ای است که افراد با آرامش و اختیار می‌توانند علایق و تمایلات خود را به کار گیرند و فرصتی است تا ایشان ارزش‌ها و نگرش‌های پنهان خود را تعین بخشیده، قدرت و مقاومت در عرصه زندگی را به نمایش بگذارند. از آنجا که در این زمینه، افراد نگرانی جدی در خصوص طرد یا ایجاد تنش در هنگام نمایش رفتارهای خود ندارند، می‌تواند زمینه را برای درک تحولات آرام و پنهان جامعه فراهم کرده، ابزار تجربی دقیق برای درک، فهم و استنباط واقعیت‌های فرهنگی در لایه‌های مختلف اجتماعی باشد. بهره‌وری از اوقات فراغت به عنوان "مجموعه‌ای از اشتغالات که فرد با رضایت خاطر برای استراحت یا تفریح و یا به منظور توسعه آگاهی‌ها یا فراگیری غیر انتفاعی و مشارکت اجتماعی، داوطلبانه بعد از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می‌پردازد". (کوهستانی، 1378: 51) می‌تواند عاملی در ایجاد آرامش و لذت در زندگی به شمار آید و از طرفی زمینه رشد و بالندگی در افراد را نیز فراهم آورد. در همگان یکسان نیست و بنابر اهمیت موضوع و همگن نبودن آن در افراد مختلف جامعه، بررسی آن در اقشار مختلف و عوامل مؤثر بر این تفاوت‌ها ضروری است، گروهی معتقدند عامل تفاوت در میزان و نحوه گذران اوقات فراغت جنسیت است؛ به گونه‌ای که به واسطه قرار گرفتن زنان و مردان در لایه‌های متفاوت اجتماعی که در آن، زنان غالباً در محیط خانه و خانواده به مراقبت‌های عاطفی و انجام امور خانگی مشغول هستند و مردان تحت حمایت این حوزه خصوصی قرار می‌گیرند و بهره‌می‌برند، تمایزاتی ایجاد می‌شود و در این مسیر، اشتغال زنان با ایجاد فشار مضاعف و مسئولیت دوگانه و متضاد، تأهل و به دنیا آمدن فرزندان، این تمایز و تفاوت‌ها را تشدید می‌کند و شاهد بر این مدعا که جنسیت عاملی مهم‌تر از طبقه در این زمینه است، آن که زنانی با پایگاه طبقاتی متفاوت به کرات در فعالیت‌های فراغتی مشابهی مشارکت می‌کنند. این موضوع که جنسیت به منزله متغیری اساسی به شمار آمده و عامل تبیین تفاوت‌ها در زمینه اوقات فراغت است در تحقیقات گرین، هارگریوز، پارک، ویمبوش مورد تأیید قرار گرفته و سؤال اصلی ما در این مقاله است. آیا جنسیت در جامعه ما به عنوان عامل تبیین تفاوت‌ها در میزان اوقات فراغت و نحوه گذران آن مطرح است؟ آیا بین میزان فراغت و نحوه گذران

اوقات فراغت در زنان و مردان اختلاف وجود دارد؟ آیا رضایت زنان و مردان از فراغت خویش یکسان است؟ آیا اولویت‌های فراغتی در زنان و مردان با هم تفاوت دارد؟ برای پاسخ به این سؤالات بعد از مرور ادبیات تجربی موضوع در ایران و جهان، به یافته‌های حاصل از فراتحلیل مطالعات انجام شده در تحقیق می‌پردازیم.

رویکردهای نظری

در زمینه تفاوت‌های جنسیتی در اوقات فراغت به نظرهای تقریباً همگنی برمی‌خوریم که عمدتاً ناظر بر جامعه‌پذیری متفاوت زنان و مردان، تفاوت در محدودیت‌های اجتماعی و تقیدات ایشان، مسئولیت بالاتر زنان در امور خانه و نگهداری از فرزندان، غلبه و فرهنگ مردسالاری و تسلط ایشان بر فراغت زنان و ایجاد محدودیت از طرف ایشان می‌باشد. ما در این مقاله به مواردی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

متینگلی و بیانچی¹ در تحقیق خود نشان دادند اوقات فراغت در زنان کم‌تر از مردان است. فراغت محض در ایشان کم‌تر است. فراغت ایشان بیش‌تر با کارهای خانگی آمیخته است، زنان بیش از مردان اوقات فراغت خود را با فرزندانشان سپری می‌کنند و بیش‌تر در زمان گذران اوقات فراغت نگران کارهای خانه و کارهای بیرون از خانه هستند (متینگلی و بیانچی، 2003). منطبق بر این نظر گرین² نشان داد که زنان در این دسته از مطالعات (اوقات فراغت) نادیده گرفته شده‌اند و بزرگ‌ترین نقد بر حوزه جامعه‌شناسی فراغت را همسان‌پنداری زنان و مردان در این حوزه می‌داند و عنوان می‌کند که فقدان اوقات فراغت و دسترسی زنان به تفریح نباید به عنوان مشکل اجتماعی انگاشته شود؛ بلکه این مشکل جنبه‌ای از روابط جنسیتی است که از ویژگی‌های سرمایه‌داری پدرسالارانه می‌باشد و موجب می‌شود اوقات فراغت برای زنان مفهومی مبهم گردد، فراغت ایشان کم و ناچیز باشد، این اوقات بیش‌تر در خانه سپری شود، در این موضوع مردان از اقتدارمردانه استفاده کرده، به راحتی خروج زنان را منع می‌کنند و اجرای آن نیز ممکن است با تهدید یا اعمال خشونت جسمی همراه باشد. (شفیعی، 1386) همچنین (یتمن و واجمن، 2000) نشان دادند که میزان اوقات فراغت زنان به طرز معنی‌داری با میزان فراغت مردان متفاوت است و امکان آمیختگی فراغت زنان با دیگر وظایف ایشان بیش‌تر از مردان است (متینگلی و

1. Mattingly and Bianchi

2. Green

بیانچی، 2003: 6). همچنین آهنگ منقطع و بریده بریده فراغت زنان نسبت به مردان و طولانی تر بودن این توقفات، توسط بیتمن و واجمن، 2000، دیم 1996، ویمبوش و تالبوت، 1988، نشان داده شده است. (ماتینگلی و بیانچی، 2003) همچنین در مقاله هارگریوز آمده کنترل تفریح زنان از سوی مردان به طرقي اعمال می شود که با اعمال قدرت در وجهه ای خصوصی مرتبط است و مردان مقدار زمانی را که همسران و فرزندان دختر آنها به هر فعالیت اجتماعی اختصاص می دهند تحت کنترل دارند و گاهی اعمال خشونت شوهران علیه همسران در این خصوص دیده شده است. مضاف بر آن، زنان خود، نیز از تنها بیرون رفتن احساس ناراحتی و ترس دارند، ویمبوش و روجک¹ نیز مفاهیمی چون پدرسالاری، روابط جنسیتی و طبقه را در تحلیل اوقات فراغت زنان دخیل می داند. زوزانک، سن، درآمد، تحصیلات، طبقه اجتماعی، اشتغال خارج از منزل، تعداد فرزندان و کار خانگی را عوامل مؤثر در اوقات فراغت زنان می داند. پارکر نیز اوقات فراغت را آنتی تنز کار دستمزدی و به عنوان اوقات آزاد الزام های بیرونی می داند که باعث می شود فرد، زمان مذکور را به اعمال انتخابی بگذرانند... و تمایزهای تفریحی و چگونگی گذران اوقات فراغت زنان و مردان را ناشی از نقش متمایز آنها می داند، همچنین او اذعان می دارد که اوقات فراغت زنان نسبت به مردان کم تر بوده و لذا طیف فعالیت های تفریحی آنان نیز محدود است، به خصوص زنان کم تر از مردان به ورزش می پردازند. پارکر معتقد است اوقات فراغت زنان نسبت به مردان کم تر است و لذا طیف فعالیت های تفریحی آنان نیز محدودتر می باشد و به خصوص زنان کم تر از مردان به ورزش می پردازند. (شفیعی، 1386 به نقل از ویمبوش، 1986) به گفته هی وود پژوهش ها نشان می دهد که بسیاری از زنان متأهل و مادر از داشتن وقت آزاد و پرداختن به فعالیت های فراغتی احساس گناه می کنند. در نتیجه، گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون برای آنها باید با انجام کارهای اضافی خانه مانند اتو کشیدن، شست و شو یا کارهای بافتنی همراه باشد. خود زنان نیز غالباً با قبول این موضوع که مردان «کار واقعی» انجام می دهند، باعث گسترش اندیشه پدرسالاری می شوند و به مردان حق می دهند که اوقات فراغت داشته باشند. همچنین کلارک و کرتیچر دریافتند که زنان وقت کم تری برای اوقات فراغت دارند، در بیش تر فعالیت های اوقات فراغت، کم تر شرکت می کنند و دامنه گزینیه های اوقات فراغت آنان تنگ تر است و

1. Rojeck

بیش‌تر اوقات فراغت خود را در خانه سپری می‌کنند. (رفعت جاه، 1382، به نقل از هی وود و دیگران، 1380) به تعبیر ویمبوش و تالبوت؛ هندرسون و دیگران، 1998 و دیم، 1987، 1988 زنان تمایل دارند که اوقات فراغت خود را با خانواده همگام کنند و برایشان مشکل است که وقتی را جدای از افراد خانواده برای خود در نظر بگیرند (ماتینگلی و بیانچی، 2003) و فعالیت‌های زنان در خدمت به اعضای خانواده از دید دیگران پنهان است. (همان، 2003 به نقل از لئوناردو دی) همچنین مطالعات زمان تعطیلات که توسط تالبوت، ویمبوش و دیم انجام شده، نشان داده که فعالیت‌های روزهای تعطیلی زنان مشابه روزهای کاری ایشان می‌باشد و تمایزی در آن‌ها دیده نمی‌شود. هرینگتون¹، داوزون² و بولا³ دریافتند که زنان در اوقات فراغت خود عمدتاً مشغول برطرف کردن نیازهای ابتدایی افراد خانواده هستند. در تحقیقاتی آمده است که با اشتغال زنان و افزایش ساعات کاری ایشان، میزان فراغت ایشان کم‌تر می‌شود و از آنجا که زنان زمان بیش‌تری صرف امور خانه و افراد در خانواده می‌کنند، هر ساعت کار ممکن است مقدار بیش‌تری از فراغت ایشان را کاهش دهد. (ماتینگلی و بیانچی، 2003: 5 به نقل از: بیانچی و دیگران، 2000؛ هاچ‌چایلد و ماچنگک، 1989؛ کینگستون 1989) و همچنین هاچ‌چایلد و ماچنگک نشان دادند، زنان بیش‌تر تمایل دارند اوقات خود را در خانه بگذرانند. البته یافته‌های متضاد نیز وجود دارد و برخی معتقدند که بین زنان و مردان شاغل، با این که زنان نسبت به مردان اوقات بیش‌تری برای امور خانه و فرزندان صرف می‌کنند؛ لیکن به دلیل اشتغال بیش‌تر مردان در کار، اوقات فراغت ایشان همسان می‌باشد. (ماتینگلی و بیانچی، 2003: 5 به نقل از: بیتمن و واجمن، 2000 و رایبسون و گادبی، 1999)

فمینیست‌ها مدعی هستند زنان تمایل دارند زمان زیادی برای فرزندان بگذرانند و به این جهت بین ایشان و کسانی که مجرد، غیر شاغل و بدون فرزند هستند، تفاوت‌های زیادی به چشم می‌خورد. (ماتینگلی و بیانچی، 2003: 4). بیهاوگن و کاتزگرو⁴ نشان داده‌اند که زنان سوئدی به دلیل اشتغال به تحصیل در رشته‌هایی که بیش‌تر با فرهنگ متعالی سروکار دارند، بیش از مردان در فعالیت‌های هنری و فرهنگی مشارکت می‌جویند و این فعالیت را نوعی چالش با قدرت مردان می‌دانند؛ چرا که مشارکت مردان در فرهنگ متعالی همواره سبب کسب مشروعیت برای ایشان بوده و زنان از این طریق با این مشروعیت مقابله

1. Harrington

2. Dawson

3. Bolla

4. Bihagen and Katz-Gerro

می کنند. (شفیعی، 1386: 138)

مبانی تجربی در ایران

بررسی تحقیقات در ایران، عمدتاً ناظر به این موضوع است که میزان اوقات فراغت در زنان کم تر است و در گذران این اوقات نیز تفاوت هایی به چشم می خورد که در ادامه به چند نمونه اشاره می شود. علیرضا مالکی (1388) به تأثیر جنسیت در اوقات فراغت پرداخته و نشان داده پسران بیش تر به فراغت جسمانی و دختران بیش تر به فراغت های عملی توجه دارند. همچنین الهام پور (1382) به تفاوت معنی دار جنسیت بر گذران اوقات فراغت اشاره کرده است. رحمانی (1385) نیز تفاوت جنسیتی در ساعات و نوع فراغت بین دختران و پسران را نشان داده است. نابرابری جنسیتی در اوقات فراغت زنان روستایی و تقلیل نقش ایشان به خانه داری و بچه داری توسط سعید معید فر (1383) به تصویر کشیده شده است. سمیه شفیع (1383) به بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت زنان و میزان رضایت مندی ایشان در دانشگاه علامه طباطبائی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مردان به اوقات فراغت همسران خود نظارت داشته و در این زمینه قدرت تصمیم گیری دارند و اعمال قدرت می کنند، بیش تر زنان بین 19-10 ساعت در هفته فراغت دارند، بیش تر زنان این اوقات را عمدتاً در خانه طی می کنند و عمدتاً میزان رضایت ایشان از گذران این اوقات در سطح متوسط است. همچنین طبق پژوهشی که فریدون تندنویس در سال 1381 درباره اوقات فراغت زنان شهرنشین ایرانی انجام داده است، میانگین اوقات فراغت زنان حدود سه و نیم ساعت در روز می باشد. غالب این زنان ذکر کرده اند که به سبب کمبود امکانات و فضاهای مناسب و محدود بودن گزینه های اوقات فراغت، بیش تر اوقات فراغت خود را در خانه و کنار خانواده می گذرانند. بر اساس نتایج این پژوهش هر چه میزان تحصیلات زنان افزایش می یابد، و به ویژه در نسل های جوان تر که سن ازدواج افزایش و تعداد فرزندان کاهش یافته و مشارکت مردان در کارهای خانگی رو به افزایش گذارده و مهم تر از همه با دگرگونی در ارزش ها و سبک زندگی که پیش تر از آن سخن گفتیم، زنان و دختران جوان شهری وقت بیش تری برای فراغت های شخصی فعال و برون خانگی، صرف و آن را به فرصتی برای شکوفایی فردی و اجتماعی بدل می کنند. (رفعت جاه، 1382) روشنگر یزدان پناه (1386) نیز در تحقیق خود تفاوت جنسیتی در اوقات فراغت را نشان داده، به گونه ای که فراغت خانواده گرایانه در زنان بیش تر می باشد. بنابراین با توجه به ادبیات

نظری فوق الذکر، فرضیه‌های ما عبارتند از این که: 1. جنسیت بر میزان و نحوه گذران اوقات فراغت تأثیر دارد 2. میزان اوقات فراغت زنان از مردان کم‌تر است 3. در نحوه گذران اوقات فراغت زنان و مردان، تفاوت وجود دارد 4. رضایت از اوقات فراغت در زنان کم‌تر از مردان است. در ادامه بعد از معرفی روش تحقیق، به توصیف و آزمون این فرضیه‌ها پرداخته خواهد شد.

روش تحقیق

در این مقاله با استفاده از روش اسنادی و به شیوه فراتحلیل، مطالعات موجود در زمینه اوقات فراغت و عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این مطالعه، مقالات و پایان‌نامه‌هایی که به این زمینه اختصاص داشتند بوده است. در منابع استفاده شده در این مقاله چند اولویت لحاظ شده است. اول اینکه پژوهش‌های انجام شده در 20 سال اخیر مورد استفاده قرار گرفته و به دلیل توصیفی بودن غالب تحقیقات پیش از آن، پژوهش‌هایی که متعلق به سالهای قبل از 70 بوده در نظر گرفته نشده است، در ثانی، تحقیقاتی مورد استفاده قرار گرفته که یا در مقالات علمی پژوهشی چاپ گردیده است و یا پایان‌نامه‌های دفاع شده در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری بوده و پایان‌نامه‌های مقطع لیسانس به دلیل احتمال دقت کم‌تر کنار گذاشته شده است، همچنین به علت استفاده از نرم افزار آماری و نیاز به استفاده از نتایج کمی، تحقیقات کیفی کنار گذاشته شدند و سپس با این اوصاف، 43 مقاله و پایان‌نامه متعلق به دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی، آزاد، تربیت معلم و تربیت مدرس ردیابی شده و مورد استفاده قرار گرفته است. در بیان میانگین میزان فراغت، رضایت از فراغت و محل و نحوه گذران اوقات فراغت از یافته‌های حاصل از spss استفاده شده و زنان و مردان مورد مقایسه قرار گرفته شده‌اند، همچنین به علت استفاده از ابزار آماری Comprehensive Meta analysis در این پژوهش و لزوم تکرار متغیرها در حداقل 5 متغیر، فرضیه‌هایی با متغیرهای تکرار نشده کنار گذاشته شده و فرضیه تأثیر متغیرهای جنسیت در میزان و نحوه گذران اوقات فراغت که از تکرار مورد نیاز برخوردار بود، مورد بررسی نرم افزار مذکور قرار گرفتند. با این توضیح، در بخش اول با استفاده از یافته‌های توصیفی به میزان فراغت، میزان رضایت، محل گذران اوقات فراغت و اولویت‌های فراغتی در زنان و مردان پرداخته خواهد شد. سپس در بخش دوم به تحلیل آماری متغیر جنسیت بر اوقات فراغت خواهیم پرداخت.

یافته‌های تحقیق

بخش اول: یافته‌های توصیفی - جهت توصیف داده‌ها اطلاعات جمع آوری شده در نرم افزار spss طبقه بندی گردیده است.

از میان 43 منبع مورد استفاده 27/9 درصد تحقیقات مختص زنان، 11/6 درصد مختص مردان و 60/5 درصد مربوط به هر دو جنس بوده است.

1. موضوع مورد مطالعه در رشته‌های مختلف تحصیلی: از بین پژوهش‌های انتخاب شده 28 مورد (65/1 درصد) به گروه علوم اجتماعی، 7 مورد (16/3 درصد) به گروه تربیت بدنی، 2 مورد (4/7) به گروه روان شناسی، 2 مورد (4/7) به گروه مدیریت، 4 مورد (9/3 درصد) به گروه برنامه ریزی آموزشی تعلق داشت.

2. نوع مدرک: از بین پژوهش‌های انتخاب شده 11 مورد (25/6 درصد) مقاله‌های چاپ شده در مجلات علمی پژوهشی و 32 مورد (74/4 درصد) پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری می‌باشد.

3. استان محل اجرا: از بین پژوهش‌های انتخاب شده 23 مورد (53/5 درصد) در استان تهران، 2 مورد (4/7 درصد) استان فارس، 2 مورد (4/7 درصد) در سطح کشوری، 4 مورد (9/3 درصد) استان‌های شمالی، 1 مورد (2/3 درصد) استان خراسان، 3 مورد (7 درصد) استان زنجان، 3 مورد (7 درصد) استان اصفهان، 2 مورد (4/7 درصد) استان آذربایجان و 3 مورد (7 درصد) در استان‌های جنوبی به اجرا درآمده است.

4. چارچوب نظری تحقیقات: چارچوب نظری پژوهش‌های مورد نظر در 6 مورد (14 درصد) بوردیو، 2 مورد (4/7 درصد) گیدنز، 1 مورد (2/3 درصد) هارگریوز، 1 مورد (2/3 درصد) زیمل و رایزمن، 3 مورد (7 درصد) دومازیه، 3 مورد (7 درصد) نومیر، 1 مورد (2/3 درصد) گرین، 1 مورد (2/3 درصد) پارسونز، 1 مورد (2/3 درصد) تلفیقی بوده است و در 24 مورد (55/8 درصد) چارچوب نظری به طور شفاف ذکر نشده است.

5. روش تحقیق: 39 مورد (90/7 درصد) به شیوه پیمایشی و 4 مورد (9/3 درصد) به شیوه اسنادی پیمایشی اجرا شده است.

6. ابزار جمع آوری اطلاعات: 36 مورد (83/7 درصد) پرسشنامه و 7 مورد (16/3 درصد)

به شیوه پرسشنامه و مصاحبه به جمع آوری اطلاعات پرداخته اند.

7. چنانکه در جدول شماره 1 می‌بینیم اختلاف قابل توجهی در میانگین اوقات فراغت زنان و مردان وجود دارد به نحوی که این اوقات، در مردان 4 ساعت و 33 دقیقه و در زنان 2 ساعت و 59 دقیقه گزارش شده است. همچنین میزان رضایت از فراغت در زنان تقریباً کم و در مردان تقریباً متوسط است (میزان رضایت کم با عدد 1، متوسط با عدد 2 و زیاد با عدد 3 نشان داده شده است *) در مورد محل گذران اوقات فراغت، 33/3 درصد (100% معتبر) از زنان (در مجموعه این تحقیقات) که در این گزینه پاسخگو بوده‌اند بدون اختلاف نظر بیشترین محل برای گذران این اوقات را خانه ذکر کرده‌اند. این یافته‌ها صحت تحقیقات مرور شده در ادبیات تجربی تحقیق را نشان می‌دهد. همچنان که دیدیم مارتینگلی و بیانچی، بیتمن و واجمن، گرین، پارکر، هی وود، الهام پور تأثیر جنسیت بر اوقات فراغت را نشان داده‌اند و در این تحقیق نیز این مورد به اثبات می‌رسد. چنان که هاچ چایلد و ماچنگک، گرین، مارتینگلی و بیانچی، پارکر، هی وود مدعی شدند در این تحقیق نیز می‌بینیم محیط خانه و خانواده بر گذران اوقات فراغت زنان اثر داشته است و بالاترین اولویت ایشان را می‌پوشاند. یافته‌های این تحقیق میزان رضایت زنان از فراغت خود را در حد تقریباً کم معرفی کرده‌اند و مشابه این نتایج را در تحقیقات انجام شده توسط گرین، شفیع و تندنویس مشاهده کردیم.

جدول شماره 1: تفاوت‌های جنسیتی در اوقات فراغت

انحراف استاندارد	میانگین	مورد	
152/75	4 ساعت و 33 دقیقه	مردان	میزان اوقات فراغت
163/22	2 ساعت و 59 دقیقه	زنان	
0/5774	2/33	مردان	رضایت از فراغت *
0/5774	1/33	زنان	
-	-	مردان	محل گذران اوقات فراغت
0	33/3 (100 درصد معتبر) بیش تر خانه	زنان	

چنانکه در جدول شماره 2 ملاحظه می‌شود اولویت‌های فراغتی در زنان و مردان یکسان نبوده و فراغت‌های خانواده گرایانه نظیر بودن در خانه و معاشرت با اقوام از اولویت بالاتری برخوردار است، به نحوی که همان طور که در جدول می‌بینیم، بالاترین فراغت در

زنان، بودن در خانه ذکر شده است و علاقه به موسیقی نیز در زنان بیش از مردان است و تمایل ایشان به فراغت‌های هنری دیده می‌شود. در مورد مردان ورزش، پارک که از فراغت‌های جسمانی و حرکتی است، نسبت به زنان از اولویت بالاتری برخوردار است. (اولویت‌های فراغتی به ترتیب اهمیت از شماره 1 تا شماره 10 مشخص شده اند)

جدول شماره 2: اولویت‌های فراغتی در زنان و مردان

مردان	میانگین	زنان	میانگین
TV	2/6	خانه	2
معاشرت با دوستان	3/33	TV	2/7
ورزش	3/38	موسیقی	3/4
خانه	3/38	دوستان	3/81
مطالعه	3/4	مطالعه	3/89
بازیهای کامپیوتری	4/6	معاشرت با اقوام	4/5
پارک	4/9	بازیهای کامپیوتری	4/8
معاشرت با اقوام	5	ورزش	5/3
موسیقی	5	خرید	5/6
خرید	6	پارک	6/06
کارهای دستی	6/6	کارهای دستی	6/4
سفر	6/7	سفر	6/6
اینترنت	7/6	اینترنت	7/2
تشکل	7/66	سینما	7/5
سینما	8/5	تشکل	7/8
کوه	10	رستوران	8
رستوران	10	کوه	9
فراغت‌های خانواده گرایانه (خانه، دیدار اقوام)	8/38	فراغت‌های خانواده گرایانه (خانه، دیدار اقوام)	6/5
فراغت‌های حرکتی (ورزش، پارک، سفر، کوه)	24/98	فراغت‌های حرکتی (ورزش، پارک، سفر، کوه)	26/96
فراغت‌های هدفمند (مطالعه، تشکل)	11/06	فراغت‌های هدفمند (مطالعه، تشکل)	11/69

چنان که در جدول فوق می‌بینیم اولویت اول زنان، بودن در خانه می‌باشد و فراغت‌های خانواده گرایانه در ایشان بیش تر است و این موضوع را می‌توان به پابندی بیش تر این قشر به اعضای خانواده، عوامل فرهنگی حاکم بر اجتماع که زنان را بیش تر متعلق به عرصه خصوصی می‌داند، نوع اجتماع پذیری و یا تقسیم کار خانگی ایشان ربط داد. از طرفی فعالیت‌های حرکتی و جسمانی که بیش تر به محیط بیرون از منزل مربوط می‌شود و می‌تواند موجبات سلامتی و شادابی افراد را فراهم آورد در مردان بیش تر مشاهده می‌شود و همین طور فراغت‌های هدفمند که در آن امکان رشد و بالندگی بیش تری وجود دارد، در مردان بیش تر است.

بخش دوم: یافته‌های تحلیلی نرم افزار Comprehensive Meta analysis

در این بخش با توجه به تنوع روش‌های استفاده شده و گوناگونی آمارها ابتدا تمامی آمارها از طریق فرمول‌های مربوط، به ضریب همبستگی (r) تبدیل شدند و سپس این داده‌ها در نرم افزار Comprehensive Meta analysis وارد گردید. شرط ورود داده‌ها و بهره گیری از نتایج ترکیب کمی فراتحلیل، حداقل 5 بار تکرار هر متغیر می‌باشد. (از کیا، 1383: 11 به نقل از تامپسون، 1997: 26) بنابراین رابطه‌های با فراوانی کم تر کنار گذاشته شد و رابطه جنس و نحوه گذران اوقات فراغت مد نظر قرار گرفت.

جدول شماره 3: توزیع فراوانی رابطه متغیرهای زمینه‌ای و نحوه گذران اوقات فراغت

فراوانی	فرضیه
11	رابطه جنس و میزان اوقات فراغت
5	رابطه جنس و نحوه گذران اوقات فراغت

سپس با وارد کردن حجم نمونه‌ها، سطح معنی داری، میزان همبستگی و جهت اثر آن‌ها، به ترکیب کمی نتایج دست یافتیم که به قرار زیر است.

شماره 4: نتایج حاصل از ترکیب کمی داده‌ها در نرم افزار Comprehensive Meta analysis

فرضیه	جنسیت و میزان فراغت	جنس و نحوه گذران فراغت
تعداد مطالعه	11	5
Fixed	0/225	0/711
Weight Fixed	1147,85	303/795
دامنه کم‌ترین و بیش‌ترین شدت تأثیر	0/167-0/283	0/599-0/824
میانگین همبستگی	0/116	0/349
variance	0/001	0/003
Standard error	0/030	0/057
z-value	7/624	12/397
p-value	0/000	0/000
Random	0/236	0/757
Weight Random	74/91	32/972
دامنه کم‌ترین و بیش‌ترین شدت تأثیر	0/009-0/462	0/416-1/099
میانگین همبستگی	0/120	0/352
variance	0/013	0/030
Standard error	0/115	0/174
z-value	2/040	4/349
p-value	0/041	0/000
آزمون ناهمگونی	Q-Value	35/144
	df (Q)	4
	P-value	0/000
	I-Squared	88/618
		92/762

تفسیر یافته‌های نرم افزار Comprehensive Meta analysis: برای بررسی کمی مطالعات دو روش وجود دارد: "روش نخست شامل ترکیبی از مقادیر احتمال یا نمره‌های استاندارد Z است که راهبردهای آن توسط کوکران (1937)، فیشر (1932)، پیرسون (1933)، تیپیت (1931) طرح شده بود... و روش دیگر ترکیب اندازه‌های اثر ضرایب همبستگی یا مشخصه کوهن (1937) است که از نخستین افراد ثراندیک¹ بوده که نتایج مطالعات مختلف را برای استفاده از یک مقدار متوسط همبستگی با یکدیگر ترکیب

1. Thorndike

کرده‌اند (هومن، 1387: 19) و سپس توسط روزنتال و دیگران بسط و گسترش یافته و جهت سهولت کار با چند نرم افزار از جمله Comprehensive Meta analysis قابل بررسی است و ما در این مقاله از روش دوم با نرم افزار مذکور استفاده کرده ایم. در فراتحلیل، معمولاً بر روی اندازه‌های اثر تکیه می‌شود؛ در حالی که در پیشینه‌های پژوهش سنتی تأکید بر سطح معنی داری، اغلب موجب گمراهی بوده است. بنابراین در ارائه یک تصویر کلی از نتایج یک اقدام پژوهشی، حتی اثرات اندک و غیر معنادار نیز می‌تواند نقش داشته باشد و به این وسیله نتایج دقیق‌تر و متقن‌تری ایجاد می‌شود. ترکیب اندازه‌های اثر نیز با دو مدل اثرات ثابت¹ و اثرات تصادفی² امکان پذیر است. در مدل ثابت فرض بر این است که مطالعات تحت بررسی در یک اندازه اثر حقیقی مشترک سهم هستند و تفاوت‌های اندازه اثر واقعی تنها ناشی از خطای نمونه برداری است. در مدل‌های ثابت واریانس‌های خطای نمونه برداری که به عنوان واریانس‌های شرطی معروف است، در ترکیب واقعی داده‌ها به کار می‌رود و برآورد بدون تورش اثر جامعه برابر با میانگین ساده اثرهای مشاهده شده مطالعه خواهد بود و خطای استاندارد آن، محاسبه فاصله‌های اعتماد پیرامون آن را امکان پذیر می‌سازد. در این مدل می‌توان به این پرسش پاسخ داد که آیا کاربرندی در مطالعات موجود مؤثر بوده است یا نه؟ لیکن تعمیم آن به مطالعاتی جز آن‌ها که در نمونه وجود دارد ممکن نیست. در مدل‌های تصادفی تفاوت اندازه‌های اثر تنها ناشی از خطای نمونه برداری نیست؛ بلکه ناشی از عامل‌های دیگری مانند خطای اندازه گیری و تفاوت‌های ذاتی بین مطالعات است. این رویکرد اگر چه نیرومندی کم‌تری نسبت به مدل اثرهای ثابت دارد؛ اما اجازه تعمیم‌پذیری را به مطالعاتی که در نمونه نیست نیز می‌دهد، اگر واریانس اثرهای تصادفی به صورت معنی دار با واریانس برآورد (شرطی) تفاوت داشته باشد، این امکان وجود دارد که مدل تصادفی بر مدل ثابت ارجح باشد. هنگامی که منابع همگون باشد، اندازه اثر نمونه‌ها غالب شده و هر دو مدل به نتیجه یکسان می‌انجامد و وقتی بین منابع مورد بررسی ناهمگونی معنادار وجود داشته باشد، واریانس بین مطالعه‌ها خیلی بزرگ‌تر از واریانس درون مطالعه‌ها خواهد بود. در تفسیر نتایج، اگر آزمون ناهمگونی معنادار نباشد به این معنی است که متغیر تعدیل کننده وجود ندارد و سطح معنی داری قابل قبول در آزمون ناهمگونی نشان از وجود متغیر تعدیل کننده است. همچنین هرگاه آزمون ناهمگونی در

1. Fixed

2. Bihagen and Katz-Gerro

سطح معنی دار باشد، به کار بردن مدل تصادفی بر مدل ثابت ارجح است. مجذور ضریب همبستگی بیانگر درصد واریانس متغیر وابسته است که توسط متغیر مستقل تبیین می شود و اگر حاصل ضرب واریانس تبیین در واریانس خطا کم تر از مقدار بحرانی 0/75 باشد نیز نشان از وجود متغیر تعدیل کننده دارد. همچنین بعد از انتخاب مدل اگر P-Value در سطح معنی دار باشد، تأثیر متغیر مستقل پذیرفته می شود و در غیر آن، تأثیر متغیر مستقل رد خواهد شد. در تفسیر اندازه اثر در صورتی که اندازه اثر 0/2 باشد کم، 0/5 باشد اندازه اثر متوسط و 0/8 باشد، اندازه اثر زیاد را تأیید می کند. همچنین اگر اندازه همبستگی 0/1 باشد اندازه، اثر کم، 0/2 اندازه اثر متوسط، و اگر میزان همبستگی 0/3 باشد اندازه اثر بالاست. (هومن، 1387) با توجه به توضیحات داده شده، در مورد تأثیر جنسیت بر میزان اوقات فراغت، با توجه به اینکه آزمون ناهمگونی در سطح معنی دار است، بنابراین از طرفی نشان دهنده ترجیح مدل تصادفی بر مدل ثابت است و از طرف دیگر نشان می دهد در این رابطه، متغیر تعدیل کننده وجود دارد که قابل بررسی است. اما بررسی آن در این تحقیق امکان پذیر نمی باشد. حاصل ضرب مجذور ضریب همبستگی در واریانس خطا بسیار کم تر از مقدار بحرانی 0/75 است و دلیل دیگری بر وجود متغیر تعدیل کننده می باشد. همچنین مقدار P-Value در سطح معنی داری قابل قبول، پذیرش متغیر و تأثیر آن را نشان می دهد. اندازه اثر 0/236 در مدل تصادفی و میزان همبستگی 0/116 نشان دهنده اثر تقریباً کم این متغیر مستقل می باشد. در مورد تأثیر جنسیت بر نحوه گذران اوقات فراغت با توجه به اینکه آزمون ناهمگونی در سطح معنی دار است بنابراین از طرفی نشان دهنده ترجیح مدل تصادفی بر مدل ثابت است و از طرف دیگر نشان می دهد در این رابطه متغیر تعدیل کننده وجود دارد که قابل بررسی است اما بررسی آن در این تحقیق امکان پذیر نمی باشد. حاصل ضرب مجذور ضریب همبستگی در واریانس خطا بسیار کم تر از مقدار بحرانی 0/75 است و دلیل دیگری بر وجود متغیر تعدیل کننده می باشد. همچنین مقدار P-Value در سطح معنی داری قابل قبول پذیرش متغیر و تأثیر آن را نشان می دهد. اندازه اثر 0/757 در مدل تصادفی و میزان همبستگی 0/349 نشان دهنده اندازه اثر بالای این متغیر مستقل بر متغیر وابسته می باشد. تأثیر جنسیت بر میزان اوقات فراغت و نحوه گذران این اوقات در تحقیقات مرور شده و یافته های توصیفی این تحقیق مورد تأیید قرار گرفت و نتایج حاصل از ترکیب اندازه های اثر نیز مجدداً این یافته ها را تقویت می کند.

بحث و نتیجه‌گیری

از جمله مقولاتی که در تقسیمات اجتماعی، عمدتاً به نابرابری منتهی می‌شود، جنسیت است که موجبات تفکیک افراد در دو عرصهٔ جداگانه را فراهم می‌آورد. در این تفکیک جنسیتی، زنان به عنوان افراد آسیب پذیر و فرو دست معرفی می‌شوند و در حاشیه قرار می‌گیرند. ایشان غالباً در حوزهٔ خصوصی و خانواده، مسئول مراقبت‌های عاطفی و امور خانگی معرفی می‌شوند و مردان در حوزهٔ عمومی، کار و سیاست فعال هستند و تحت حمایت حوزهٔ خصوصی قرار می‌گیرند. عامل جنسیت که می‌تواند زمینهٔ نابرابری و تبعیض را در عرصه‌های گوناگون اجتماعی فراهم آورد، به عنوان یکی از شاخص‌های توسعهٔ انسانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در گزارش توسعهٔ انسانی، ایران در نابرابری جنسیتی به عنوان دارنده رتبه 98 با ضریب نابرابری 0/674 معرفی شده است. توجه به این وضعیت از دوجت حائز اهمیت است چرا که از طرفی کشورهایمانند هلند، دانمارک و سوئد دارای کم‌ترین نابرابری جنسیتی با ضریب حدود 0/174 به چشم می‌خورند و از طرف دیگر حتی در جوامعی که به نظر می‌رسد در فرهنگ، مذهب و جغرافیا شبیه به کشور ما باشند، کشورهایی مانند امارات (رتبه 45)، کویت (رتبه 43)، بحرین (رتبه 55) و اردن (رتبه 76) وجود دارند و بالا رفتن رتبه، حاکی از نابرابری بیش‌تر میان زنان و مردان در آن جوامع می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع و لزوم تلاش در جهت کاهش نابرابری، این مقاله با محوریت تبیین نابرابری جنسیتی به اوقات فراغت پرداخته است. بررسی عوامل مؤثر بر فراغت، به عنوان عرصه‌ای که زندگی روزمره را بازنمایی می‌کند و قدرت و مقاومت را در زندگی انسان‌ها به نمایش می‌گذارد، اختیار و آزادی انسان‌ها در آن عرصه، قابل اعمال است و نشانی از هویت و فرهنگ افراد هر جامعه دارد، حائز اهمیت است؛ لیکن به نظر می‌رسد وجود عامل جنسیت و تفاوت‌های موجود در این زمینه سبب ابهام مفهوم فراغت برای زنان شده است. برای تأمل در این مفهوم، چند تعریف از فراغت مطرح می‌شود. از دید براون فراغت دارای این ویژگی است که تحت تأثیر مراسم اجباری و الزامات فرهنگی و اجتماعی نیست و با اراده و اختیار فرد سپری می‌شود و تورکیدستون آن را حالت آرام یک وقار فکورانه می‌داند و دوگرازا آن را آزاد بودن از ضرورت‌ها و الزام‌های زندگی روزمره معرفی می‌کند (رفعت جاه، 1384) و به دلیل الزام زنان به امور خانه و خانواده،

بودن در خانه به عنوان بالاترین فراغت در زنان، نشان از مبهم بودن این مفهوم نزد زنان دارد. نظریات مطرح شده در رویکرد نظری، متفق القول تفاوت جنسیتی در فراغت را به شکل تفاوت در میزان اوقات فراغت، عدم یکسان بودن گذران اوقات فراغت و اولویت‌های فراغتی، آمیخته بودن فراغت زنان با کارهای خانگی و نگهداری از فرزندان، تمایل زنان به گذران فراغت در محیط خانه، کم بودن و مبهم بودن فراغت زنان به چالش کشیده بودند و موجب مطرح شدن این سؤال اساسی شد که نابرابری جنسیتی در جامعه ما چگونه اوقات فراغت را تحت تأثیر خود قرار داده است.

اطلاعات این مقاله به شیوه اسنادی از 43 پایان‌نامه و مقاله علمی پژوهشی به عنوان جامعه آماری برگرفته شده بود و در تجزیه و ترکیب داده‌ها از فراتحلیل استفاده گردید. امروزه فراتحلیل به عنوان شیوه‌ای که ضمن برشمردن نقاط قوت و ضعف تحقیقات، با ترکیب کمی نتایج، توانایی ارزیابی و تحلیل مجدد آن‌ها را فراهم آورده است و زمینه‌ای مناسب برای داشتن برآوردی واحد از تحقیقات متعدد ایجاد می‌کند، مورد استفاده روزافزون قرار گرفته و از آنجا که به حجم نمونه توجه داشته، اندازه‌های اثر ضعیف و غیر معنی دار نیز در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. صرفاً بر سطح معنی داری تکیه ندارد و نتایج آن از این رو که ترکیب چند تحقیق پژوهشی است، می‌تواند اطلاعات متقن‌تری به جامعه علمی عرضه کند. با توجه به یافته‌های حاصل از ترکیب کمی فراتحلیل، دیدیم که جنسیت با اندازه اثر تقریباً کم، بر میزان اوقات فراغت و با اندازه اثر زیاد، بر نحوه گذران آن مؤثر است و این یافته، یافته‌های پیشین گرین، بیانچی و متینگلی، بیتن و واجمن و ویمبوش و روجک را تأیید می‌کند. در یافته‌های حاصل از فراتحلیل دیدیم که اختلاف قابل توجهی در میانگین اوقات فراغت زنان و مردان وجود دارد به نحوی که این اوقات، در مردان 4 ساعت و 33 دقیقه و در زنان 2 ساعت و 59 دقیقه گزارش شده بود، این یافته تحقیقات و نظرات ارائه شده از پارکر، کلارک و کریچر، گرین، بیانچی و متینگلی، بیتن و واجمن را تأیید می‌کند. همچنین میزان رضایت از فراغت در زنان تقریباً کم و در مردان تقریباً متوسط است؛ چنانچه در تحقیق سمیه شفیعی نیز دیده شد. در مورد محل گذران اوقات فراغت، 33/3 درصد (100% معتبر) از زنان که در این گزینه پاسخگو بوده‌اند بدون اختلاف نظر، بیش‌ترین محل برای گذران این اوقات را خانه ذکر کرده‌اند، همان‌طور که دیدیم هی وود، دیم، هندرسون، ویمبوش و تالبوت، گرین در تحقیقات خود

به این نتیجه رسیده بودند که زنان بیش‌تر تمایل دارند یا مجبور هستند فراغت خویش را در خانه بگذرانند. چنانکه در جدول شماره 2 ملاحظه شد اولویت‌های فراغتی در زنان و مردان یکسان نبوده و در زنان فراغت‌های خانواده‌گرایانه نظیر بودن در خانه و معاشرت با اقوام از اولویت بالاتری برخوردار است، و همان‌طور که دیدیم بالاترین فراغت در زنان، بودن در خانه ذکر شده بود و در تحقیقات تجربی این یافته منطبق بر یافته‌های پارکر، گرین، بیانچی و متینگلی بود و علاقه به موسیقی نیز در زنان بیش از مردان ذکر شد و در رویکردهای نظری نیز علاقه زنان به فراغت‌های هنری در تحقیق بیهاوگن و کاتس گرو دیده می‌شد. در مورد مردان نیز دیدیم ورزش، پارک که از فراغت‌های جسمانی و حرکتی است، نسبت به زنان از اولویت بالاتری برخوردار بود. همان‌طور که در قسمت‌های مختلف دیدیم جنسیت بر اوقات فراغت به عنوان عاملی مؤثر مطرح است. ریشه این تفاوت‌ها را می‌توان در جامعه پذیری متفاوت دختران و پسران که عمدتاً دختران را به حوزه خصوصی رهنمود می‌شود، عوامل فرهنگی اجتماعی حاکم بر جامعه که زنان را با محدودیت‌هایی مواجه ساخته، عدم آگاهی افراد از اهمیت فراغت و تأثیر این امر بر سلامت افراد و کیفیت زندگی ایشان، آسیب‌زا بودن محیط بیرون از خانه برای زنان و وجود هراس منتج از آن در ایشان، تسلط مردان بر وقت افراد خانواده از جمله زنان و ایجاد محدودیت‌هایی از طرف ایشان، تقسیم کار خانگی و ذات تمام ناشدنی امور خانه و خانواده جستجو کرد. اما علی‌رغم به حاشیه رانده شدن زنان، به نظر می‌رسد، وجود دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی در دهه‌های اخیر، اشتغال زنان، افزایش تحصیلات در ایشان و ورود به عرصه عمومی موجب شده که زنان تا حدودی حصار محدود خانه‌ها را شکسته‌اند و با این تغییر، چنان که دیدیم اولویت‌های فراغتی زنان و مردان در بعضی جهات در حال شبیه به هم شدن است و با وجود این که در حال حاضر بیش‌تر فعالیت‌ها و اوقات فراغت زنان، خصوصی و خانه‌محور است، در هر حال این تغییرات، حضور زنان در عرصه‌های شهری را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد و فراوانی آن در آینده بیش‌تر خواهد شد و بر جامعه علمی و گروه‌های مرجع است که ضمن زمینه‌سازی برای زنان، با ایجاد جامعه‌پذیری متفاوت در افراد از طریق نهاد خانواده و آموزش، ایجاد آگاهی در افراد اعم از زن و مرد، تجدید نظر در تقسیم کار خانگی و امور خانه‌داری و نگهداری از فرزندان، ایجاد معیارهایی مغایر با سلطه مرد بر زن، راههای آسیب‌بر زنان را مسدود کنند و زمینه مناسب را برای ایجاد

فراغت‌های حرکتی جسمانی و فعالیت‌های هدفمند فراهم نمایند. به ویژه در زمینه ایجاد فضاها و امکانات فراغتی برای زنان، لازم است برنامه‌ریزان به نیازهای آنان توجه نموده، در جهت گسترش فضاهای فراغتی عمومی نظیر ورزشگاه‌ها، فرهنگسراها و مراکز تفریحی مناسب با علایق زنان اقدام نمایند تا امکان گسترش فراغت‌های سالم که موجب رشد و بالندگی می‌شود، فراهم آید و انرژی ایشان در فراغت‌های آسیب‌زا، مصرف‌گرایی و مدگرایی افراطی به هدر نرود.

منابع

- ازکیا، مصطفی و محمود توکلی، 1385. فراتحلیل مطالعات رضایت شغلی در سازمان‌های آموزشی. نامه علوم اجتماعی، شماره 27، بهار 1385
- رفعت‌جاء، مریم. 1384. جنسیت و اوقات فراغت در عرصه‌های زندگی شهری. فصل‌نامه انسان‌شناسی. شماره 4: 73-61
- صالحی، رضا. 1386. الگوهای سبک زندگی ایرانیان. تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک: موسسه انتشاراتی کمیل، مقاله شفيعی، سمیه، مطالعات جنسیتی اوقات فراغت به سوی تبیین سبک زندگی: 174-131
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌ا...، 1379. فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره 15، بهار و تابستان 1379: 103-67
- کوهستانی، حسینعلی و خلیل‌زاده، 1387، پژوهشی در اوقات فراغت و راههای بهره‌وری از آن. مشهد: نشر تیهو.
- معیدفر، سعید. 1383. تمایز جنسی روستاییان در کار فراغت فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره 2: 200-179
- هومن، حیدرعلی. 1387. راهنمای عملی فراتحلیل در پژوهش علمی. تهران: سمت
- Mattingly, Marybeth j. , Bianchi, Suzanne m., 2003 , gender differences in the quantity and Quality of free time : the u.s. experience , social forces , volume 81 ,number 3 , March 2003 : 999-1030
- J. Maume , David , 2006 , Gender Differences in Taking Vacation Time , Work and Occupation , volume 23, Number 2 , May 2006 : 161-190
- WHO REPORT 2009-

مقالات و پایان‌نامه‌های مورد استفاده

- ارفعی عین‌آبادی، رضا. 1388. بررسی رابطه نحوه گذران اوقات فراغت و سلامت اجتماعی جوانان شهر بستان‌آباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه

علامه طباطبایی، استاد راهنما: جعفر هزارجریبی، استاد مشاور: عزت‌ا... سام آرام، اشرف‌الکتابی، منوچهر، 1379. بررسی تغییرات اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، استاد راهنما: جعفر هزارجریبی، استاد مشاور: عزت‌ا... سام آرام، اعظمی، مهدی، 1373. بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان پسر دوره متوسطه شهرهای شمال خراسان با تأکید بر فعالیت‌های بدنی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، استاد راهنما: علی محمد امیرتاش، استاد مشاور: امیر احمد مظفری.

الهام پور، حسین و محمدجعفر پاک‌سرشت، 1382. بررسی الگوی گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال دهم، شماره 3 و 4: 39-62.

برازنده‌تر، علیرضا، 1376. بررسی عوامل مؤثر بر چگونگی اوقات فراغت کارمندان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در مقطع زمانی 1375-1376. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی، استاد راهنما: جعفر سخاوت، استاد مشاور: دکتر پیران، بیوک آقازاده، بهروز، 1384. مطالعه و بررسی میزان ساعات و نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه پیام نور مشکین شهر و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مهرداد نوابخش، استاد مشاور: سیف‌ا... سیف‌اللهی.

پوراکردی، علی مهدی، 1385. چگونگی گذران اوقات فراغت دانش آموزان مقطع متوسطه در شهرستان نکا و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، استاد راهنما: سید احمد حسینی، استاد مشاور: محمد زاهدی اصل.

پورحسین، محمد، 1387. بررسی وضعیت اوقات فراغت دانش آموزان در طول سال تحصیلی و راههای غنی‌سازی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد، استاد راهنما: صمد کریم زاده، استاد مشاور: فتاح ناظم.

تمیز، رقیه، 1388. بررسی جامعه‌شناختی، آسیب‌شناسی اوقات فراغت جوانان شهر تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش، استاد راهنما: محمد صادق مهدوی، استاد مشاور: مهرداد نوابخش.

تیا، مجتبی، 1388. بررسی رابطه پایگاه اجتماعی اقتصادی و چگونگی گذران اوقات

- فراغت در بین دانشجویان جوان 18-29 ساله. پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. استاد راهنما: غلامرضا لطیفی. استاد مشاور: جعفر هزارجریبی.
- تندنویس، فریدون. جایگاه ورزش در اوقات فراغت مردم ایران. مجله پژوهش در علوم رفتاری، شماره چهارم: 115-133.
- تندنویس، فریدون. 1380. جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی. مجله حرکت، شماره 12: 87-104.
- جزدره‌ای، سیده منیژه. 1378. بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. استاد راهنما: امان‌الله قزایی مقدم. استاد مشاور: علی دلاور، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- جعفری حچین، افسر و فاطمه شب‌خیز و مرضیه مشهوری، 1385. بررسی میزان اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه تهران با تأکید بر تربیت بدنی، مجله حرکت، شماره 27: 103-116.
- جعفری، سید جلال. 1381. بررسی عوامل مؤثر بر چگونگی گذران اوقات فراغت معلمان شهر رشت. استاد راهنما: محمد تقی شیخی. استاد مشاور: محمدصادق مهدوی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- حاج عبدالباقی، زهرا. 1385. بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش آموزان متوسطه شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر وارسته فر. استاد مشاور: حبیب‌الله زنجانی.
- خواجه نوری، بیژن و علی اصغر مقدس. 1387. بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهرستان آباد. مجله پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، نیمه دوم سال 1387.
- دارویی، مهشید. 1378. بررسی نحوه گذران اوقات فراغت اساتید دانشگاههای شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: غلامرضا احمدی. استاد مشاور: آذرقلی زاده.
- رادمند، جمشید. 1385. بررسی نحوه گذران اوقات فراغت و عوامل مؤثر بر آن در دانش آموزان پسر و دختر مقطع متوسطه شهرستان رامسر. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد

اسلامی واحد تهران مرکز، استاد راهنما: سوزان امامی‌پور، استاد مشاور: مهدیه صالحی، ربانی، رسول و حامد شیر، 1388. اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره 8، زمستان 1388: 209-244.

رحمانی، احمد. و محمد پوررنجبر و طیه بخشی‌نیا. 1385. بررسی و مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه‌های زنجان با تأکید بر نقش تربیت بدنی و ورزش. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره پنجم، شماره سوم، پاییز 1385: 209-216.

رضایی، شمس‌الدین. 1388. مطالعه و شناخت علایق انگیزه‌ها و تنگناهای گذران اوقات فراغت اساتید دانشجویان و کارکنان دانشگاه تربیت مدرس و جایگاه ورزش در آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی دانشگاه تربیت مدرس. استاد راهنما: محمد احسانی. استاد مشاور: هاشم کوزه چیان.

رفعت جاه، مریم. 1383. زنان و بازتعریف هویت اجتماعی. پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران. استاد راهنما: باقر ساروخانی. استاد مشاور: غلامعباس توسلی، تقی آزادارمکی.

زواره، انسیه. 1386. رابطه میان سبک زندگی و وضعیت سلامت زنان خانه دار شهر تهران در دو منطقه شمال و جنوب تهران همراه با سنجش میزان آگاهی از حق سلامت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس. استاد راهنما: ملیحه شیان. استاد مشاور: محمد صادقی.

سازگارا، پروین. 1382. بررسی سبک زندگی قشر دانشگاهی و بازاریان سنتی (طبقه متوسط جدید و قدیم). پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران. استاد راهنما: رحمت ا... صدیق سروستانی. استاد مشاور: غلامعباس توسلی، باقر ساروخانی.

سلاطینی، سحر. 1385. بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت زنان متأهل و ارتباط آن با میزان رضایت مندی از زندگی زناشویی در شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی. استاد راهنما: دکتر مهدی راد. استاد مشاور: محمد سعید ذکایی.

شفیعی، سمیه. 1383. بررسی میزان رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت و عوامل مرتبط با آن - مورد: کارکنان و اساتید دانشگاه علامه طباطبایی در سال 1382. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی. استاد راهنما: طاهره

قادری، استاد مشاور: شیرین احمدنیا.

شعبانزاده، مهناز. 1384. بررسی رابطه قشربندی اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت در بین دانش آموزان دختر شهرستان لنگرود. پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی اجتماعی. استاد راهنما: نادر سالارزاده. استاد مشاور: حسین علی شیرزادی.

شکری، بهنام. 1380/ تأثیر متغیرهای اجتماعی بر چگونگی اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. استاد راهنما: منصور قنادان. استاد مشاور: محمدتقی شیخی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی.

صالحی، نظرعلی. 1377. بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت کارکنان اداره کل شیلات استان گیلان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی. استاد راهنما: محمد زاهدی اصل. استاد مشاور: دکتر سخاوت.

صفانیا، علی محمد. 1380. نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاههای آزاد اسلامی کشور با تأکید بر فعالیت های ورزشی. مجله حرکت، شماره 9: 140-127.

عباسی، حشمت ا... 1381. بررسی میزان و شیوه های گذران اوقات فراغت دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهرستان زنجان و عوامل مؤثر بر آن. استاد راهنما: ابراهیم گلشن. پایان نامه کارشناسی ارشد.

عبادی، سلمان. 1379. گذران اوقات فراغت دانش آموزان پسر مقطع متوسطه منطقه هندیجان و عوامل مؤثر بر آن. پایان نامه کارشناسی ارشد امور فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی. استاد راهنما: محمد جواد زاهدی اصل. استاد مشاور: اکبر شریفیان.

فلاح، مهدی. 1387. بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه تربیت معلم. استاد راهنما: بیژن زارع. استاد مشاور: عباس وریچ کاظمی.

قائم، هاله و نرگس محمدی و ابوالفضل محمدیگی. چگونگی گذران اوقات فراغت و همبسته های آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، بهار و تابستان 1387، 1، 8: 71-80.

کشکر، سارا و محمد احسانی. 1386. بررسی اهمیت عوامل بازدارنده زنان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به متغیر خصوصیات فردی. مطالعات زنان، سال 5، شماره 2، پاییز 1386: 113-134.

- کشاورزیان، بانو. 1382. بررسی نحوه گذران اوقات فراغت مدیران و کارکنان شرکت ملی فولاد ایران. استاد راهنما: هدایت ا... نقیعی. استاد مشاور: تقی پور ظهیر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- گوشبر، فرهاد. 1384. طبقه اجتماعی و سبک زندگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران. استاد راهنما: رحمت ا... صدیق سروسنانی. استاد مشاور: غلامعباس توسلی.
- مالکی مزاری، علیرضا. 1388. بررسی رابطه نظام ارزشی و نحوه گذران اوقات فراغت در شهرستان دشت آزادگان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه تربیت معلم. استاد راهنما: بیژن زارع. استاد مشاور: فاطمه جواهری.
- مجدالدین، اکبر. 1376. بررسی ساختار ارزش ایستار رزمندگان در دو مقطع جنگ و پس از جنگ با تأکید بر نحوه گذران اوقات فراغت. پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران. استاد راهنما: باقر ساروخانی. استاد مشاور: منصور وثوقی، تقی آزادارمکی.
- محمدی، سیده عقیله. 1386. رابطه بین سبک زندگی و نگرش هویت جنسیتی در بین دو نسل مادران و دختران. پژوهش‌کده تحقیقات استراتژیک. الگوهای سبک زندگی ایرانیان، تهران: موسسه انتشاراتی کمیل: 227-271.
- مهدی‌پور، عبدالرحمن. 1372. بررسی جایگاه تربیت بدنی و ورزش در گذران اوقات فراغت دانشجویان پسر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی شهر تهران و تحلیل عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی دانشگاه تربیت مدرس. استاد راهنما: مصطفی عسگریان. استاد مشاور: هاشم کوزه‌چیان.
- میرهاشمی، مالک و بهنام شکری و دیگران. 1386. مدت و نحوه گذران اوقات فراغت کارکنان اداری دانشگاه آزاد اسلامی. دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره 13، بهار 1386: 77-98.
- یزدان پناه سامانی، روشنگر. 1386. مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر چگونگی شکل‌گیری و نحوه گذران اوقات فراغت زنان متأهل 59-25 ساله شهرستان اورمیه در سال 86. استاد راهنما: مریم رفعت جاهد. استاد مشاور: شهلا کاظمی پور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.